



از بازی فوتبال تا فوتبال بازی

«هری کیول» و «خداداد عزیزی» با نتیجه تساوی یک بر یک خاتمه یافت اما بازی برگشت در ملبورن کریکت گراند برگزار می‌شد. حال نوبت به مصاف هولناک هشت آذرماه رسیده بود. بیش از هشتاد هزار تماشاگر استرالیایی برای دیدن این بازی به ورزشگاه آمده بودند. بازیکنان خوش‌آئینه ایرانی که کمتر تجربه بازی خارج ایران را داشتند اکنون خود را رویاروی تیمی حرفه‌ای با سازوبرگی کامل و جامع و استاندارد می‌دیدند و همین امر نوعی حس ترس و واهمه در آنان پدید آورده بود. تیمی که «مارک بوسنیچ» دروازه‌بان «استون ویلا» و بعد «منچستر یونایتد» را درون دروازه و «ند زلیچ» از باشگاه «مونخ ۱۸۶۰»، «مارک ویدوکا» از باشگاه «سلتیک»، «هری کیول» مهاجم باشگاه‌های «لیدز» و «لیورپول» را کنار «گرگ فاستر»، «استون لازاریدیس» یا «اورلیو ویدمار» در ترکیب خود داشت. بازی فرارسیده بود و رقابت در شرف آغاز. گویی زمان برای ایرانیان متوقف شده بود و هر شهروند ایرانی با بیم‌ها و امیدهای بسیار به قاب تلویزیون چشم دوخته بود. در یک بعدازظهر پاییزی تیم ایران می‌بایست زمینه صعود خود را به جام جهانی برای نخستین بار پس از انقلاب اسلامی فراهم می‌کرد. تیم استرالیا با بازیکنان حرفه‌ای خود که در لیگ‌های اروپایی به فوتبال حرفه‌ای می‌پرداختند و از هر نظر آماده بودند در دقایق آغازین رخ‌نمایی می‌کرد. دقایق آغازین نیمه اول، نبردی نابرابر بود که دروازه ایران یکطرفه به توپ بسته شده بود. ما نیز با نسل طلایی فوتبال‌بست‌های خود مبهوت ریتم بازی و آمادگی مثال‌زدنی بازیکنان شاخص استرالیا بودیم. فضای حاکم بر ورزشگاه استرس‌زا بود. تیم ایران اما در نیمه نخست با یک گل از حریف نام‌آشنای خود عقب افتاد. بازیکنانی نظیر استاد اسدی، تهامی و سعداوی ترجمانی از سادگی و جنگندگی ایرانی بودند. وینترز (۱۳۹۶: ۱۵۹) می‌نویسد: «واپسین شانس، حرکتی است که برآمدن فریاد بلند «آه» را از سکوه‌ای میزبان تضمین می‌کند: سیو نوک انگشتی دروازه‌بان تیم میهمان. همچنان که دروازه‌بان بدن خود را تا آخرین حد ممکن کش می‌دهد، عضلات هواداران فشرده می‌شود. سیو نوک انگشتی، غایی‌ترین حد ناکام گذاشتن است. این حرکت با تمام یأس آزاردهنده‌ای که به وجود می‌آورد به‌خودی‌خود وجه بارزی از زیبایی‌شناختی بازی است». در آن روز خاص نیز احمدرضا عابدزاده روحیه‌بخش کاروان تیم ایران بود. او چنان یک فاتح قوی روحیه، قلب شیر داشت و سنگریان «شرافت و افتخار» بود. عابدزاده آن روز، شاعر شده بود و در محوطه جریمه ساحری می‌کرد. در دشواری‌ها لبخند می‌زد و توپ را با یک دست مهار می‌کرد. پاشازاده در قلب خط دفاع مانند سربازان

همین ارزش‌های عرفی، غربی و مدرن شکل‌گرفته بود (فاضلی، ۱۳۸۹). فوتبال پدیده‌ای سکولار با ریشه‌های غربی تلقی می‌شد که با اهداف اسلامی انقلاب ناخوانا بود و در سطح قهرمانی، تجملاتی به نظر می‌رسید (کیانپور، ۱۳۹۴). پس از پایان جنگ، شرایط کم‌وبیش عوض شد. فوتبال رفته‌رفته و به شکلی بطنی همچون مدیومی برای جامعه‌پذیری و انتقال ارزش‌ها، تخلیه هیجان و پرورش جسمانی و امکانی برای کار و سرگرمی به رسمیت شناخته شد. دوران پس از جنگ، عصر بازگشت فوتبال ایران به عرصه بین‌المللی بود.

پرده اول: صعود به جام جهانی ۱۹۹۸؛ رستگاری به‌وقت ملبورن

تهران کانون سیاست‌های ملی و مرکز جنبش اصلاحات از دهه نود میلادی به این‌سو بوده است. تجربه دولت‌مردان اصلاح‌طلب در ساخت قدرت و سازمان‌های مردم‌نهاد حامی حقوق زنان برای جنبش اصلاحات و جریان وسیع‌تر دموکراسی خواهی امری خطیر پنداشته می‌شود (پووی، ۲۰۱۵: ۷۲). در خرداد ۷۶ اما دورانی جدید از حیات سیاسی پس از انقلاب اسلامی رقم خورد. مشارکت فراتر از بیست‌میلیونی آحاد جامعه در انتخابات هفتم، منجر به پیروزی محمد خاتمی در انتخابات شد. کاندیدای پیروز در شعارهای تبلیغاتی خود از اهمیت جنبش جوانان، دانشجویان، گفت‌وگوی تمدن‌ها، تنش‌زدایی با غرب، اصلاحات، توسعه سیاسی، گشایش‌های فرهنگی، آزادی، حقوق شهروندی، جامعه مدنی و مشارکت مردمی صحبت به میان می‌آورد. این نامزد به اتکای همین شعارها و رویکرد نوین سیاسی فرهنگی در مدیریت کشور، نوید دوران شکوفا و امیدآفرین در سال‌های پایانی دهه هفتاد را می‌داد. جامعه شورونشاط سیاسی داشت و حوزه سیاست، فرهنگ و ورزش نیز این تحولات بی‌نصیب نبودند. در اواخر دهه نود میلادی و پس از پیروزی جنبش دوم خرداد و تکوین گفتمان اصلاح‌طلبی و مردم‌سالاری، فوتبال مجدداً جایگاه خود را به‌عنوان ورزش ملی پیدا کرد (نفیسی، ۵۸: ۲۱۰۲).

رقابت‌های انتخابی جام جهانی ۹۸ فرانسه در همان سال پیگیری می‌شد. تیم ملی ایران با ستاره‌های فیروزبخت خود مسیری پرفرازونشیب را طی کرد و راه صعود پیچیده می‌شد. تیم ایران در نهایت برای صعود به جام جهانی فرانسه می‌بایست به مصاف نماینده اقیانوسیه می‌رفت.

فیفا در مقاله‌ای با عنوان «شادی و دلشکستگی» به گزارش بازی تیم‌های استرالیا و ایران پرداخته و نوشت که در بازی رفت بیش از ۱۲۸ هزار تماشاگر ایرانی در ورزشگاه حضور پیدا کردند. آن بازی با گلزنی



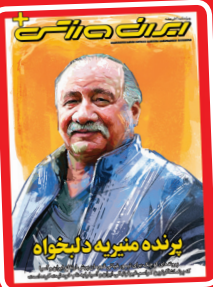
آرش حسن‌پور

پژوهشگر مطالعات تصویری

فوتبال نشانگان تقریباً همه چیزهایی است که سر جایشان نیستند. گاهی اوقات به‌سختی می‌توان به فوتبال عشق ورزید؛ فوتبال تصویری از جهان ما، در بهترین و بدترین حالت آن، به‌طور همزمان است (کریچلی، ۱۳۹۷).

در این نوشتار تلاش خواهیم کرد تجربه صعود به جام جهانی فوتبال ۱۹۹۸ و بازی‌های جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان را با یکدیگر مقایسه کنیم. در این مقایسه خواهیم کوشید به فوتبال به مثابه یک متن پرداخته و سپس به عوامل فرامتنی و زمینه‌ای رخداد‌های یاد شده بپردازم و نسبت متن و زمینه اجتماعی را بر اساس روش تحلیل رویداد مورد واکاوی و تحلیل قرار دهم. فوتبال، زمانی نه‌چندان دور، به‌عنوان موضوعی نگرسته می‌شد که مناسب تحلیل فکری نیست (کریچلی، ۱۳۹۷). ما در این مقاله برآنیم که فوتبال فراتر از یک بازی و ورزشی حرفه‌ای است. معتقدیم این ورزش یک آیین جدید است که حس تعلق را رسمیت می‌بخشد. بیراه نبود که وقتی از آلبر کامو فیلسوف و ادیب فقید پرسیده شد: میان فوتبال و تئاتر کدام را ترجیح می‌دهد؟ کامو بدون درنگ پاسخ داد: «فوتبال». نگاه ما به فوتبال نگاهی فراتر از یک ورزش صرف و بازی جسمانی است. فوتبال از این منظر واجد سویه‌های جغرافیایی، مردم‌شناختی، جامعه‌شناختی، هویتی و سیاسی است. فوتبال بیش از هر ورزش دیگری، بازتاب‌دهنده فراگردهای اجتماعی است. فوتبال به مثابه یک ورزش، دالی است که تاریخ‌مندی‌اش به مثابه عامل تثبیت‌کننده حافظه‌ای فرهنگی عمل می‌کند (کوپر، ۱۳۸۹).

از بهمن ۱۳۵۷ که ششمین دوره جام تخت جمشید در هفته دوازدهم‌ش ناتمام ماند، دست‌کم یک دهه طول کشید تا رابطه دولت با فوتبال طبیعی شود (کیانپور، ۱۳۹۴). در سال‌های آغازین انقلاب اسلامی فوتبال با مقاومت سیاسی دولت مواجه شد. تقریباً به مدت ده سال بازی‌های باشگاهی در ایران انجام نمی‌شد. با وقوع انقلاب اسلامی این روند توسعه و تکامل بازی فوتبال و توسعه سازمانی این بازی متوقف شد و حتی پخش بازی‌های فوتبال از تلویزیون در سال‌های نخست پس از انقلاب با مانع مواجه شد. بازی فوتبال یک بازی غربی، عرفی و مدرنی بود که انقلاب اسلامی در سال‌های نخست خودش، دقیقاً در واکنش با



ایران ورزشی

ویژه نامه
آخر هفته

صاحب امتیاز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

مدیرعامل مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:

مهدی شفیعی

مدیر مسئول: علی عالی

دستیاران سردبیر:

آرمن ساروخانیان و رسول مجیدی

سرویس فوتبال ایران:

ابراهیم افشار، فرشاد کاس‌نژاد، ناصر قراگزلو، وصال روحانی، حمیدرضا عرب، سعید آقایی، جعفر برزگر، امیر اسدی، محمد قراگزلو، هومن جعفری، اکبر منتشلو، سمیرا شیرمردی، بهناز میرمطهریان، مهدیه دریابیگی، حسین قهار، سامان موحدی، سام ستارزاده، نوید صراف، سالار علیخواه، مجتبی صدوقی، پویا جاویدان، احسان محمدی، علی مغانی

سرویس ورزش جهان:

اشکان نعمت‌پور، یاسر احمدی،

سیدعلی بلندنظر، حمید کشاورز

سرویس ورزش ایران:

آزاده پیراکوه، محسن وظیفه، رضا عباسپور،

محسن آجرلو، ناصر انصافی مقدم،

شکوفه موسوی، وحید جعفری

مدیرفنی: مجتبی رفیعی

مدیر هنری: محسن ذاکری

صفحه‌آرایی: فرشید بهاری، حامد حسینی، علی عباسی، نسرين کاظمی

عکس: نعیم احمدی

طرح جلد: شهاب جعفرنژاد

ویراستاران: مسعود قراگزلو، علیرضا عبدالوند،

مهرداد افشار، فرشته معتمدی، معصومه

مهدوی روشن، لیلا امیری، سیده زهرا آرامی

روابط عمومی: سمیه مهدی‌پور

سپاس ویژه از

بهمن فروتن، مجید جلالی، جلال چراغپور،

شهاب پاک نگر، رضا درویش

لیتوگرافی: مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران

چاپ: ایرانیان

آدرس: تهران، خیابان خرمشهر، پلاک ۲۰۸

تلفن: ۰۲۱-۸۸۵۰۴۱۱۳، ۸۴۷۱۱۱۷۳

امور مشترکین: ۹۲۲۲۲۴۳۸

سازمان آگهی: ها: ۰۲۱-۸۸۵۰۰۶۱۷